

بررسی حقوق و تکالیف غیرمالی زوجین بر اساس مصلحت خانواده با رویکردی بر نظر امام خمینی^(س)

سیدمحمد موسوی بجنوردی^۱
بتول مهرگان صومعه سرایی^۲

چکیده: حفظ خانواده به عنوان عضو اصلی اجتماع از ضروریات است و در این راه شناخت حقوق زوجین و رعایت این حقوق از طرف آنها باعث تحکیم خانواده خواهد شد. یکی از حقوق زوجین، حقوق غیرمالی آنها نسبت به یکدیگر است. از این رو، نظام حقوقی اسلام درباره حقوق و روابط حاکم بر زوجین، مبانی خاص دارد. به طوری که برخی از حقوق و تکالیف را برای مرد و پاره‌ای از آنها را برای زن مناسب‌تر دانسته و مبنای تدوین حقوق میان زوجین را بر تفاوت‌های ذاتی میان دو جنس استوار ساخته است. حقوق و تکالیف غیرمالی زوجین از منظر فقه و حقوق اسلام، شامل سه دسته (مشترک، مختص زوجه و مختص زوج) است، اما از آنجا که حقوق غیرمالی زوجین وابستگی شدیدی به عرف و اخلاق دارد، در طول زمان همیشه دستخوش تغییرات زیادی بوده است. و نظر فقها و اندیشمندان هم، از عرف و نگرش غالب مردم زمان آنها، بی‌تأثیر نبوده است. پژوهش حاضر به روش تحلیلی برای هدف استوار است تا هر کدام از این تقسیمات را با مراجعه و تفقه در آثار امام خمینی مورد بررسی قرار دهد.

کلید واژه‌ها: خانواده، حقوق ایران، زوجین، فقه امامیه، مصلحت.

۱. استاد بازنشسته دانشگاه خوارزمی و مدیر گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی^(س) پژوهشکده امام خمینی^(س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران
E-mail: moosavi@ri-khomeini.ac.ir
۲. دانش آموخته دکتری الهیات، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران
E-mail: mehrgan@iaurasht.ac.ir

مقدمه

خانواده نهادی با ویژگی‌هایی خاص است که هم در بردارنده قرارداد قانونی است و هم پیمانی عاشقانه. براساس ماده (۱۱۰۲) قانون مدنی، همین که نکاح به طور صحیح واقع شد، رابطه زوجیت بین طرفین موجود، و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل یکدیگر برقرار می‌شود. در اکثر عقود این امکان وجود دارد که یکی از طرفین از انجام وظایفی که قانوناً بر عهده گرفته است سرباز زند، که عقد نکاح از این قاعده مستثنی نیست.

پیمان زناشویی، اتحاد عاطفی و پیوند معنوی بین زن و مرد است و به محض انعقاد نکاح، رابطه‌ای حقوقی تحت عنوان زوجیت، بین زن و شوهر برقرار می‌گردد و هر کدام از ایشان، در قبال یکدیگر حقوق و تکالیفی خواهند داشت (کاتوزیان ۱۳۸۲: ۱۵۵). بنابراین، یکی از حقوق زن و مردی که پیوند زناشویی می‌بندند، حقوق غیر مالی آنها نسبت به یکدیگر است. حقوق و تکالیف غیر مالی زوجین، عبارت است از حقوق و تکالیفی که هر یک از زوجین از قبل آنها، نه مالی را به دست می‌آورد و نه مالی را از دست می‌دهد، بلکه این حقوق و تکالیف صرفاً دارای جنبه معنوی است. همچنین بدیهی است هر چیزی که برای هر یک از زوجین، حق به حساب می‌آید، برای طرف دیگر تکلیف محسوب می‌شود.

با اینکه در میان حقوق زوجین نسبت به یکدیگر، حقوق غیر مالی در مقایسه با حقوق مالی از اهمیت و نقش بیشتری برخوردار است، ولی متأسفانه از آن غفلت شده، یا کمتر به آن پرداخته شده است. به طوری که هر گاه سخن از حقوق ناشی از عقد نکاح به میان می‌آید، مهریه، نفقه و حقوق مالی از این قبیل به ذهن متبادر می‌گردد، و این امر از آن روست که در آثار اساتید، نویسندگان و محققین بیشتر به حقوق مالی زوجین نسبت به یکدیگر توجه شده است. این در حالی است که در نهاد خانواده، این حقوق نسبت به حقوق غیر مالی از آثار و نتایج کمتری برخوردارند. مهم‌تر اینکه، منشأ و ریشه بسیاری از اختلافات زوجین، رعایت نکردن حقوق غیر مالی ایشان نسبت به یکدیگر است، گرچه مسائل مالی جایگاه خود را دارند، اما با توجه به طبیعت خانواده، و از آنجایی که در این نهاد حقوق در خدمت اخلاق بوده و اخلاق مقدم بر حقوق است، رعایت حقوق غیر مالی زوجین می‌تواند نقش چشمگیری در تقویت این نهاد ایفا کند.

حق غیر مالی امتیازی است بدون ارزش داد و ستد، که به طور مستقیم به پول مبادله و ارزیابی نمی‌شود، مانند زوجیت، ولایت و حضانت. موضوع این حق روابط غیر مالی اشخاص و هدف آن مشارکت در بنای جامعه و همچنین رفع نیازمندی‌های عاطفی و اخلاقی انسان است (کاتوزیان ۱۳۷۱: ۱).

لازم به ذکر است که حق غیر مالی و حق معنوی متفاوت از یکدیگرند، چرا که حق معنوی در مقابل حق مادی است و آنچه غیر مادی باشد، معنوی نامیده می‌شود. حق معنوی امتیازی است غیر مادی و قانونی

خارج از حقوق بر اعیان است (جعفری لنگرودی ۱۳۸۱: ۱۷۱۲). به عنوان مثال برای حق معنوی می توان به حق دارنده و رقه اختراع، حق مؤلف و یا حق کار فکری اشاره کرد.

حقوق و تکالیف زوجین، با وجود جایگاه گسترده‌ای که در پژوهش‌های اسلامی معاصر دارد به علت عدم آشنایی همچنان یکی از معضلات موجود در خانواده‌هاست، که در این نوشتار قصد بر این است که به نقد و بررسی یکی از مسائل مورد ابتلای جامعه با بررسی آثار امام خمینی پرداخته شود.

۱. حقوق و تکالیف مشترک بین زوجین

۱-۱. حسن معاشرت

خانواده نهادی مقدس است که در همه جای جهان برای آن اهمیت خاصی قائل هستند این در حالی است که برای حفظ چنین نهادی قانون نیز مواضعی را تعیین کرده است که یکی از مهم‌ترین این قوانین «حسن معاشرت میان زن و شوهر» است. در واقع در نظام حقوقی اسلام، معاشرت به معروف برای زوجین یک اصل حقوقی و یک حکم اخلاقی است که به نوعی، عمل به تکلیف زوجین نسبت به یکدیگر است. و نباید از نظر دور داشت که ملاک و معیار در حسن معاشرت، عرف و آداب و رسوم محل زندگی زن و حفظ شأن اوست. البته عرفی که منطبق بر عقل سلیم بوده و با اهداف تشکیل خانواده مغایرت نداشته باشد. در حقوق ایران معنای آیه ۱۹ سوره نساء در ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی در فصل مربوط به حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر وارد شده است.

زن و مرد وظیفه دارند در زندگی مشترک خانوادگی و زناشویی، نسبت به هم خوش رفتار، خوش رو و خوش گو باشند و از هر گونه بدرفتاری، ترش روی و بدگویی دوری نمایند، مگر اینکه عذر شرعی، قانونی و عرفی داشته باشند. و در روش قانونگذاری در اسلام، ارکان نظام خانواده بر اصول اخلاقی، چون مودت و رحمت، عفو، فضل، اغماض و گذشت، صلح و رعایت مصلحت خانواده، حاکمیت صفا و صمیمیت، احترام و کرامت و... استوار است و اینها اموری است که فرآیندی برتر از عدل و مساوات و استیفای حقوق صرف دارد (میرخانی ۱۳۷۹: ۱۷).

دستورات متعددی در قرآن کریم وجود دارد، مبنی بر آنکه روابط زوجین بر پایه معروف باشد. مهم‌ترین آیه‌ای که در این زمینه می‌توان به آن استناد کرد، آیه ۱۹ سوره مبارکه نساء است: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»؛ «با زنان به شیوه معروف زندگی کنید» (نساء: ۱۹). معروف در برابر منکر، به معنای رفتاری است که از نظر شرعی و عقلی پسندیده باشد. گرچه خطاب در آیه متوجه مردان است، زنان نیز همین وظیفه را دارند.

علامه طباطبایی، ذیل آیه ۲۲۸ بقره^۱ می‌گوید که چون اسلام، شریعت خود را بر اساس فطرت و خلقت بنا کرده است «معروف از نظر اسلام همان چیزی است که مردم آن را معروف بدانند، البته مردمی که از راه فطرت و از حد نظام خلقت منحرف نگردیده باشند» (طباطبایی ۱۴۱۹ ج ۲: ۲۳۲).

در بسیاری از تفاسیر دیگر نیز، با بیان اینکه، نظام اسلامی در بسیاری از تشریحات خود به عرف عام تکیه می‌کند، در مورد این آیه با اشاره به رعایت حقوق عرفی زن به وسیله همسر، معروف معادل با عرف دانسته شده است (حسینی مراغی ۱۴۱۸ ج ۲: ۱۶۶؛ نجفی خمینی ۱۳۹۸: ۱۸۱؛ گروهی از مترجمان ۱۳۷۷ ج ۲: ۴۴).

و در برخی تأکید شده که مقصود از عرف، عرف زوج یا خانواده او نیست، بلکه، عرف عقلا و عرف متدینین، مورد نظر است (حسینی شیرازی ۱۴۲۴ ج ۱: ۴۵۶). بنابراین، با توجه به نظرات مفسران، می‌توان گفت، خداوند ملاک معاشرت در روابط زوجین را عمل به معروف قرار داده است.

۱-۱-۱. معاشرت به معروف در قانون

اصل معاشرت به معروف، یک اصل قرآنی و قانونی ثابت و حاکم بر روابط زوجین است، که همه قوانین در ارتباط با وظایف و تکالیف زوجین را تفسیر می‌کند.

به عبارت دیگر بعد از ازدواج، در موقعیتی که قانونگذار، در عرصه حقوق متقابل زوجین، برای هر یک از زن و مرد، وظیفه‌ای را تعیین می‌نماید، اصل معاشرت به معروف، به عنوان موازنه‌ای در نظام خانوادگی، مانع آن می‌شود که طرفین از ناحیه حقی که به آنها داده شده است، ضرری بر شخص مقابل وارد کنند. در رابطه با معنای معروف در این آیه شریفه، علامه طباطبایی می‌نویسد: «کلمه معروف، به معنای هر امری است که مردم در جامعه خود، آن را شناخته و با آن مأنوس باشند و بدان جاهل نباشند. معنای امر به معاشرت به معروف، معاشرتی است که در بین مأمورین به این امر، یعنی مسلمانان، معروف باشد. معاشرتی در میان انسان‌ها معروف و شناخته شده است و در بین آنها متعارف می‌باشد که یک فرد جامعه، جزء مقوم جامعه باشد، یعنی در تشکیل جامعه دخیل باشد و دخالتش مساوی باشد با دخالتی که سایر اعضا دارند و در نتیجه تأثیرش در به دست آمدن غرض تعاون و همکاری عمومی، به مقدار تأثیر سایر افراد باشد... این، آن معاشرتی است که در نظر افراد جامعه معروف است. در مقابل، معاشرت غیر معروف این است که دیگران به او ستم کنند و استقلال او در جزئیت برای جامعه را سلب نموده و او را تابع و غیر مستقل سازند؛ به این معنا که دیگران از حاصل کار او بهره‌مند شوند، ولی او از حاصل کار دیگران بهره‌ای نبرد» (طباطبایی ۱۴۱۹ ج ۴: ۲۵۵).

با کنکاشی در قانون متوجه می‌شویم که تعیین نوع تکالیف مربوط به زوجین از چشم قانونگذار دور

۱. «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيَّهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ...».

نمانده و این امر را در قانون مدنی (مواد ۱۱۱۹-۱۱۰۲) به طور مشروح بیان می‌دارد تا در صورت تخلف هر یک از زوجین از وظیفه خود بر اساس قانون با او برخورد شود.

ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی زن و شوهر را مکلف به حسن معاشرت می‌داند و ماده ۱۱۰۸ می‌گوید اثر سوء معاشرت زن، بی‌بهره ماندن او از نفقه است و ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی مربوط به سوء معاشرت مرد است. قانون در صورت استنکاف مرد از دادن نفقه و دیگر موارد، تدابیر لازم را اندیشیده است.

پس شیوه قانونگذاری بر خانواده به عنوان پایگاهی برای رشد عواطف انسانی و ارضاء نیازهای فطری و تکامل مراحل عقلانی که متأثر از همین امور است کاملاً متمایز از سایر سیستم‌های حقوقی است که در قالب آیین‌نامه‌های اداری صرف، قابل تحقق و توجیه باشد.

عمل نکردن به حسن معاشرت، به عنوان یکی از اصول بنیادی اخلاقی در خانواده، ضمن اینکه منجر به اثرات سوء بر خانواده و فرزندان می‌شود، از لحاظ حقوقی نیز ضمانت‌اجرائی را به دنبال دارد؛ به طوری که زنان می‌توانند به استناد سوء معاشرت، طلاق را مطرح کنند که در قوانین مواردش احصاء شده است.

البته محدوده و مصادیق این حسن خلق نیز از نگاه حقوق دانان به مفهوم عرفی حواله شده، حسن سلوک مفهوم عرفی دارد و بر حسب زمان و مکان، آداب و رسوم اقوام و طوایف و خانواده‌ها فرق می‌کند. عادات و رسوم اجتماعی و درجه تمدن فرهنگ و نیز اخلاق مذهبی و رفتاری در میان هر قوم، مفهوم خاصی از حسن معاشرت به وجود می‌آورد.

در تنظیم روابط زن و شوهر، اخلاق بیش از حقوق حکومت می‌کند؛ بر خلاف آنچه برخی تصور می‌کنند، خانواده تنها یک سازمان حقوقی نیست و قانون توانایی ایجاد نظم در آن را ندارد، بلکه خانواده سازمانی است مخلوط از قواعد حقوقی و اخلاقی که نمی‌توان آن دو را از هم جدا کرد. در این اختلاط نیز غلبه با اخلاق است؛ چون نه تنها بیشتر قوانین راجع به آن ضمانت‌اجرای مؤثری ندارد، بلکه آنچه هست از اخلاق مذهبی و اجتماعی ناشی شده و در مقررات دولتی نفوذ کرده است.

در این رابطه سخن از عواطف انسانی و عشق و صمیمیت و وفاداری است و حقوق برای حکومت کردن بر آنها ناتوان است. به زور نه می‌توان مرد را به حسن معاشرت با زن واداشت، و نه زن را به اطاعت از شوهر و وفاداری به او مجبور کرد. بر این اتحاد معنوی، تنها اخلاق می‌تواند حکومت کند و حقوق ناگزیر است به جای اتکاء به قدرت دولت، دست نیاز به سوی اخلاق دراز کند. بر همین اساس است که در حقوق ایران معنای آیه ۱۹ سوره نساء در ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی در فصل مربوط به حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر وارد شده است؛ مطابق این ماده، زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگر هستند.

۱-۱-۲. حسن معاشرت و معروف در نگاه فقیهان و مفسران

علامه طباطبایی در تعریف معروف می‌فرماید: «معروف همان چیزی است که متضمن هدایت عقل، حکم شرع، فضیلت، محاسن خلق نیکو، سنت‌های حسنه و آداب است» (طباطبایی ۱۳۶۳ ج ۲: ۲۲۸).

طبرسی در توضیح آیه «عاشروهن بالمعروف» می‌نویسد: «مقصود همزیستی مطابق با فرمان خداوند است که ادای حقوق زن باشد، مانند حق بهره‌وری جنسی، پرداخت نفقه و سخن زیبا، معروف آن است که آزار جسمی و گفتاری به زن روا ندارد و در رویارویی با او گشاده رو باشد (طریحی ۱۳۷۵ ج ۳: ۲۵).

راغب در مفردات، هر دو حسن عقلی و شرعی را در مفهوم معروف نهفته می‌داند: معروف نام هر کاری است که عقل یا شرع، حسن و بایستگی آن را دریابد؛ و منکر، نام هر کاری است که عقل یا شرع آن را زشت و ناپسند بداند.... از همین رو به میانه‌روی در بخشش، معروف گفته می‌شود؛ زیرا که از منظر عقل و شرع پسندیده است (راغب اصفهانی ۱۹۹۲: ماده معروف). بدین سان معروف با پیشوند معاشرت را می‌توان شیوه رفتاری پسندیده از منظر عقل و شرع توصیف کرد.

زمخشری (۱۴۱۵: ج ۱: ۴۹) و فخر رازی (بی‌تاج ۱۰: ۱۲) پرداخت نفقه زن و خوش‌زبانی را از مصداق‌های معروف برشمردند. هنگامی که سخن از معروف و اینکه مفهوم معروف چیست به میان می‌آید، در مواردی که آیات و روایات، محدوده آن را مشخص کرده، تکلیف معلوم است؛ اما در مفهوم معروف آن‌جایی که ارجاع به عرف و عقل داده می‌شود، تکلیف و ملاک چیست؟

در این زمینه، معیارها متفاوت است، برخی ملاک را طبع و خوشایند زن می‌دانند و برخی نگاهی کلی‌تر داشته و ملاک را عرف مردم یک سرزمین یا طایفه می‌دانند که با توجه به آن، عرف معروف سنجیده می‌شود، و برخی علاوه بر طبع و پسند زن، شأن و جایگاه اجتماعی او را نیز در نظر می‌گیرند و حسن معاشرت را در طبقات مختلف اجتماعی متفاوت می‌دانند (رشیدرضا ۱۳۹۳ ج ۴: ۴۰۶). شاید بتوان بهترین دیدگاه را که هم با مبانی قرآن سازگارتر است و هم با اهداف تشکیل خانواده موافق‌تر، نظر علامه طباطبایی دانست که ذیل تفسیر آیه بدان پرداخته‌اند (طباطبایی ۱۴۱۹ ج ۴: ۴۰۴) ایشان معتقدند معروف، هر امری است که مردم آن را بشناسند، انکار نکنند و با آن ناآشنا نباشند. ایشان در ابتدا معروف را در چارچوب جامعه بررسی می‌کنند و هر فرد از جامعه را عضوی مستقل و آزاد می‌داند که در قوام جامعه و به‌دست آوردن اهداف جامعه به اندازه دیگران تأثیرگذار است، و معروف چون مقید به معاشرت شده است، باید مقصود از آن معاشرتی باشد که معروف میان مخاطبان است.

۱-۲. معاضدت و همکاری در تشبید مبانی خانواده

حق غیرمالی مشترک دیگری که بر زوجین محول شده، «معاضدت و همکاری در تشبید مبانی خانواده»

است که ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی می‌گوید: «زوجین باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند» معاضدت و همکاری زن و شوهر، موجب تحکیم پایه‌های خانواده شده و از امکان هر گونه تزلزل و ناپایداری که از عدم همکاری زوجین حاصل شود، جلوگیری می‌کند. قانون مدنی همکاری زن و شوهر برای تربیت فرزند را پس از همکاری آنان در تشیید مبانی خانواده لازم می‌داند. و منظور ماده این است که زن و شوهر باید در کلیه امور مربوط به زندگی مشترک، با هم همکاری و همیاری داشته باشند. مراد از تشیید مبانی خانواده، تلاش زن و مرد در نزدیک‌ساختن منش و روش و خلق و خوی زن و مرد به یکدیگر است.

زندگی مشترک یک کار گروهی محسوب می‌شود که اگر همکاری مناسبی بین زن و شوهر نباشد کارها به خوبی صورت نمی‌گیرد. در فرهنگ اسلامی کار مرد در خانه و کمک او به همسر بسیار ارزشمند تلقی شده است. زن و مرد باید در پیشبرد و تحکیم زندگی خانوادگی، همکاری و همراهی داشته باشند و معیار این همکاری هم بنا بر انتظار عرف و فرهنگ زمان و مکان و موقعیت آن دو است.

۳-۱. تربیت فرزند

نگهداری از فرزندان و حفظ سلامت و پرورش جسم و جان و تعلیم و تربیت آنان وظیفه مشترک پدر و مادر است و به هم‌فکری و همکاری و جدیت آنان نیاز دارد. پدر در این مورد مسؤولیت سنگین‌تری را بر عهده دارد، اما نقش مادر حساس‌تر و سازنده‌تر است. زن و مرد، هر دو موظفند در حد توانایی و مقتضای عرف زمان و مکان و موقعیت در رشد و پرورش فرزند، کوشش نمایند. امام خمینی در سخنانی، اهمیت خانواده در تربیت فرزندان را تا جایی می‌داند که شغل بچه‌داری و تربیت صحیح بچه را هم ردیف رسالت انبیا ذکر می‌کند:

... مادر که بچه در دامن او بزرگ می‌شود بزرگترین مسؤولیت را دارد؛ و شریفترین شغل را دارد: شغل بچه‌داری. شریفترین شغل در عالم بزرگ کردن یک بچه است، و تحویل دادن یک انسان است به جامعه. این همان بود که خدای تبارک و تعالی در طول تاریخ برایش انبیا فرستاد، در طول تاریخ از آدم تا خاتم. انبیا آمدند انسان درست کنند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۴۶۴).

سخن امام خمینی در باب اهمیت و ضرورت خانواده و بویژه «زن» در تربیت کودک بسیار است. از دیدگاه ایشان شخصیت کودک در خانواده شکل می‌گیرد و خانواده از دوره وراثت و محیط نقش اساسی خود را در پرورش کودک ایفا می‌کند و نتیجه فعالیت‌های تربیتی والدین بالندگی همه جانبه شخصیت کودک یعنی ابعاد (دینی، عاطفی، علمی، اجتماعی و ...) است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۲۸۴-۲۸۳؛ ج ۶: ۱۹۹).

۴-۱. وفاداری

هر تشکیلاتی برای بقای خود نیازمند حداقل وفاداری و صمیمیت است. ترک زوج یا زوجه از منزل به منزله فراموشی تعهداتی است که در آغاز ازدواج به یکدیگر سپرده‌اند. زوجین باید قابلیت پاسخگویی به مسؤولیت و مشکلات طرف مقابل را داشته باشند. همچنین زن و مرد نباید رابطه نامشروع با فرد دیگری داشته باشند.

۵-۱. تقدم مصالح خانواده بر مصالح فردی

یکی از اصول و مبانی حقوق خانواده در اسلام اصل گذشت و اغماض در مواردی است که مصلحت عمده تری چون حفظ کیان خانواده مطرح است. بالاترین حد سازش و گذشت پس از پیوند ازدواج این فرموده قرآن است: «فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (نساء: ۱۹). اگر به دلیلی از همسران و زنان خود رضایت کامل ندارید، ولی به خاطر مصالح خانواده و ارج گذاشتن به این پیوند، در حفظ این بنا می‌کوشید و کانون گرم خانواده را ویران نمی‌کنید و شیوه سازش و معاشرت احسن را رعایت می‌کنید، خداوند به جبران این عمل، خیر و برکات فراوان نصیب شما می‌گرداند که از آن جمله اعطای فرزندان صالح و شایسته و برکات دیگر است.

این فرهنگ قرآنی، خطاب به کسانی است که با عدم توافق اخلاقی، عاطفی یا مسائل دیگری که با همسرانشان دارند، روی به طلاق می‌آورند و در راه سازش شکست می‌خورند و گسستگی را بر پیوستگی ترجیح می‌دهند. قرآن پیوند ازدواج را «میثاق غلیظ» می‌نامد (نساء: ۲۱)، یعنی معاهده و عقدی محکم و استوار. لذا طرفین این پیمان در حفظ، قوام و استحکام آن باید رعایت تمامی اصول ارزشمند زندگی را بنمایند که عمده‌ترین آن حسن معاشرت است. امروزه بی‌توجهی به ارزش‌های اخلاقی و مصالح خانوادگی و نادیده گرفتن نیازهای عاطفی و توجه خاص به ابعاد مادی زندگی زمینه‌ساز نابسامانی‌های خانواده و تصمیم‌گیری‌های ناپخته و عجولانه درباره طلاق و جدایی می‌شود. عدم توجه به عوارض سوء ناشی از جدایی از جمله بی‌سر و سامانی و سرگسستگی افراد خانواده بعد از طلاق، عواملی هستند که خانواده را به پرتگاه سقوط می‌کشاند.

آموزش رموز رفتاری در خانواده، برقراری ارتباط حسنه و ایجاد تفاهم در مقاطع خاص برای جوان در آستانه ازدواج ضروری است. همچنین در جهت ابقا و احیای ارزش‌های الهی در خانواده قوام بخشیدن به سنت‌های حسنه مذهبی و ملی در کنار رشد و توسعه صنعتی یکی دیگر از تعلیماتی است که جوان امروز باید بیاند.

۲. وظایف زن در برابر شوهر (حقوق مردان نسبت به زنان)

۲-۱. پذیرش ریاست شوهر

اگر در زندگی زناشویی و خانوادگی مشکلی و مسئله‌ای پیش آمد، حل آن با نظر نهایی شوهر است. البته این وظیفه شوهر، نباید خارج از حسن معاشرت و معاضدت، شرع و قانون باشد و باعث سوء استفاده شوهر شود.

بررسی مواد قانون مدنی در زمینه مدیریت و سرپرستی خانواده نشان می‌دهد که «ریاست مرد» در دو قسمت مطرح می‌گردد:

۱. ریاست شوهر بر زن یا قوامیت شوهر که در رابطه زوجیت است (مستفاد از ماده ۱۱۰۵ ق.م)

۲. ریاست پدر بر فرزند یا ولایت پدر که در رابطه پدر و فرزندی است (مستفاد از مواد ۱۱۰۵ و ۱۱۸۰ و ۱۱۸۱ ق.م).

بدین ترتیب ریاست مرد بر خانواده، عنوانی جامع نسبت به این دو موقعیت است، و بی‌شک این امر مهم، در تبیین مفهوم و تعیین ماهیت آن باید مورد عنایت قرار گیرد (حائری ۱۳۷۹: ۹۶۵؛ عاملی ۱۳۵۰: ۶۶-۶۵). در بین فقها در تعیین دامنه ریاست مرد بر خانواده، مانند بسیاری از مسائل دیگر اختلاف نظر وجود دارد، البته می‌توان آراء و نظرات آنان را در دو گروه عمده بیان کرد: گروهی از فقها قلمرو ریاست شوهر بر زن را محدود به روابط زناشویی دانسته‌اند و گروهی دیگر ریاست شوهر بر زن را به صورت عام دانسته و آن را مقید به رابطه زوجیت و امور زناشویی نمی‌دانند و هر کدام نیز دلایل و استدلال‌های خاص خود را مدنظر داشته‌اند (پروین و حسینی ۱۳۹۲: ۷۰).

آنچه در فقه و حقوق اسلامی تحت عنوان قوامیت شوهر آمده است، به طور عمده برگرفته از آیه شریفه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...» (نساء: ۳۴) است. «قوامه» در لغت به معنای قیام و اشراف بر امر یا مال (ابراهیم و دیگران ۱۹۸۹: ۷۶۸) آمده، همچنین گفته‌اند که «قوامه» در لغت به مفهوم محافظت کردن و رعایت مصالح فرد است (سایس و دیگران ۱۴۱۵: ۴۵۵) و از همین ریشه است «قیم»، به معنای کسی که بر امور چیزی قیام می‌کند و متولی آن می‌شود و آن را اصلاح می‌کند (وزارت الاوقاف والشؤون الاسلامیه- الکویت بی‌تاج ۳۴: ۷۵؛ ابن منظور ۱۹۹۷ ج ۵: ۳۴۷) «قوام» نیز به معنای قیم است، با این تفاوت که قوام بلیغ‌تر و رساتر است و او کسی است که قیام‌کننده و عهده دار مصالح و تدبیر است (فراء بغوی ۱۴۰۷ ج ۵: ۱۶۹).

محمد بن جریر طبری از قدیمی‌ترین مفسران اهل سنت در این باره می‌گوید: «مردان قائم بر زنانشان در تأدیب و نظارت بر انجام واجبات و تکالیف آنان در برابر خداوند و شوهران می‌باشند» و آنگاه از ابن عباس نقل می‌کند که گفته است: منظور از قوامون در آیه شریفه، یعنی امرا و حاکمان، و بر زنان است که طبق دستور خداوند از شوهران اطاعت کنند (طبری بی‌تاج ۸: ۲۹۰).

ابن کثیر دمشقی نیز معتقد است: «مرد قییم بر زن، رئیس و بزرگ او و حاکم بر اوست و ادب کننده‌ی وی به هنگام کجروی و انحراف است» (ابن کثیر ۱۴۱۲ ج ۱: ۵۰۳).

جارالله زمخشری نیز گفته است: «قوامون علی النساء؛ یعنی مردان با امر و نهی بر زنان اشراف و سیطره دارند، همان طور که والیان و حاکمان بر رعیت حکومت دارند» (زمخشری ۱۴۱۵ ج ۱: ۴۹۵).

علامه طباطبایی در تفسیری از آیه «فَلَا جُنَاحَ عَلَیْكُمْ فِیْمَا فَعَلْتُمْ فِی أَنْفُسِھِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره: ۲۳۴) می‌فرماید: همچنین قیومیت (ریاست) مرد بر زنش به این نیست که سلب آزادی از اراده زن و تصرفاتش در آنچه مالک آن است، بکند و معنای قیومیت مرد این نیست که استقلال زن را در حفظ حقوق فردی و اجتماعی او در دفاع از منافعش سلب کند. پس زن همچنان که استقلال و آزادی خود را دارد می‌تواند حقوق فردی و اجتماعی خود را حفظ کند و از آن دفاع نماید و برای رسیدن به این هدف‌هایش به مقدماتی که او را به هدف‌هایش می‌رساند، متوسل شود (طباطبایی ۱۴۱۹ ج ۴: ۵۴۴).

گروهی از فقها با استناد به آنکه، مهم‌ترین دلیل و مدرک شرعی برای ریاست شوهر بر همسرش، طبق آیه ۳۴ سوره نساء، انفاق زن از طرف شوهرش است و تکلیف انفاق زوج نسبت به زوجه‌اش صرفاً در صورت وجود رابطه‌ی زوجیت، بر ذمه‌ی زوج ایجاد می‌شود، قلمرو ریاست شوهر بر زن را محدود به روابط زناشویی دانسته‌اند؛ از جمله علامه طباطبایی که بیان داشته‌اند: «قوامیت مرد بر همسرش به گونه‌ای نیست که اراده و تصرف زن را در ملک خویش سلب کند یا زن را از استقلال و حفظ حقوق اجتماعی و فردی خود و دفاع از آن باز دارد، بلکه معنی آن این است که چون مرد در مقابل تمتع خود از زن، مالی را به او می‌پردازد، زن نیز باید در آنچه مربوط به تمتع مرد است مطیع وی باشد و در غیاب شوهر حافظ ناموس او باشد» (طباطبایی ۱۴۱۹ ج ۴: ۳۴۴).

علامه فضل‌الله نیز در این باره می‌نویسد: «برخی مصداق ریاست مرد بر زن را توسعه می‌دهند تا شامل هر چیزی بشود، به طوری که مرد قائم به کارها و امور مختلف زن شود و هر چیزی نمی‌شود، بلکه مختص به دایره‌ی زوجیت و رابطه‌ی همسری است» (فضل‌الله ۱۴۲۱: ۱۱۳). ایشان در جای دیگر می‌نویسد: «اسلام بر زن فرض نکرده که از شوهر به طور مطلق اطاعت کند، به گونه‌ای که تفکر و خواست او در زندگی خصوصی و اجتماعی‌اش مختل شود» (فضل‌الله ۱۴۲۰: ۹۱). می‌توان گفت قانونگذار نیز به تبعیت از نظر این گروه از فقها، در ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی مقرر کرده است: «در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است» پس قانون مدنی به صراحت ریاست مرد بر خانواده را محدود به رابطه‌ی زوجیت کرده و به نظر می‌رسد این دیدگاه که قانونگذار ما نیز آن را پذیرفته است بیشتر با اصل آزادی اراده و عدم سلطه‌ی فردی بر دیگری سازگار است و از سوی دیگر عقل نیز آن را تأیید می‌کند. اما با این همه، گروهی از فقها و اندیشمندان، ریاست شوهر بر زن را به صورت عام دانسته و آن را مقید به رابطه‌ی زوجیت و امور زناشویی

نمی‌دانند و حتی گروهی از مفسران پارافراتر گذاشته و قوامیت مرد را به حکومت والی و حکمرانی مطلق مردان بر زنان دانسته‌اند (پروین و حسینی ۱۳۹۲: ۷۱-۷۰).

البته در برابر این دیدگاه که ریاست شوهر را، نوعی برتری و فضیلت مردان و سیطره و تسلط آنان بر زنان می‌داند، دیدگاه‌های دیگری نیز وجود دارد که با کرامت انسان و اصل برابری و عدم برتری هماهنگ است. به عنوان نمونه: شیخ طوسی بی‌آنکه اذعانی به مزیت و سلطنت مردان داشته باشد، فرموده است: «قوام بر دیگری، کسی است که متکفل و عهده دار هزینه، پوشاک و سایر نیازمندی‌های او می‌شود.» (شیخ طوسی ۱۳۸۸ ج ۶: ۲۰) پاره‌ای از مفسران نیز در این باره نوشته‌اند: «قوامون، یعنی قائم بر امر زنانند، در کارهای آنان قیام و ایستادگی و در محافظتشان رعایت و مراقبت دارند» (میرزا خسروانی ۱۳۹۰ ج ۷: ۱۹۷).

جالب اینکه برخی حتی وجود برتری و اشراف را برای مرد مردود دانسته‌اند، تا جایی که قوام بودن مرد را به نوعی تکلیف و مسؤولیت تبیین کرده و رهبری و ریاست او را نیز در راستای آن توجیه نموده‌اند (جوادی آملی ۱۳۷۲: ۳۶۶).

با مطالعه آثار امام خمینی تلویحاً می‌توان استخراج کرد که وی بیان می‌دارد، یکی از وظایف زن این است که از شوهر خود اطاعت نماید و نافرمانی از او نکند (امام خمینی ۱۴۲۱ ج ۱ و ۲: ۷۴۵). و حکومت اسلامی به همان اندازه که به اجتماع و مملکت اهمیت داده، به خانواده نیز اهمیت و اصالت بخشیده و در تمام زمینه‌ها برای هر کدام قوانین مستقل و جدا مقرر داشته‌است، چنانچه در جنب ولایت امام و رهبر بر مردم، ولایت پدر نسبت به اعضای خانواده را مقرر داشته‌است (بی‌آزار شیرازی ۱۳۸۳: ۸۴).

۲-۲. تمکین زن نسبت به مرد

زن باید در نزدیکی جنسی و دیگر بهره‌های شهوی مرد با او، حالت پذیرش و آمادگی در حد توانایی جسمی و روحی، بنا بر انتظار عرف داشته باشد. مگر این که دارای عذر شرعی و قانونی مثل عادت زنانگی، مریضی و ... باشد.

یکی از وظایف زن، این است که نیازهای جنسی همسرش را برطرف کند. هر چند قانون در این مورد ساکت است و به عبارت حسن معاشرت اکتفا کرده است. ولی در فقه در این مورد بیانات فراوانی وجود دارد از جمله اینکه شوهر حق دارد هر زمان که بخواهد، از همسر خویش بهره ببرد، مگر زن، مانع شرعی یا وظیفه مهم‌تری داشته باشد و بر زن لازم است که منافیات این حق شوهر را برطرف سازد (خویی ۱۴۱۰ ج ۳: ۱۰۹). در احکام فقهی دیگر فقیهان نیز به این مسئله اشاره شده است به عنوان نمونه امام خمینی در این باره می‌نویسد:

زنی که عقد دائمی شده نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود، و باید خود را

برای هر لذتی که او می‌خواهد، تسلیم نماید و بدون عذر شرعی از نزدیکی کردن او جلوگیری نکند. و اگر در اینها از شوهر اطاعت کند، تهیه غذا و لباس و منزل او و لوازم دیگری که در کتب ذکر شده بر شوهر واجب است و اگر تهیه نکند، چه توانایی داشته باشد یا نداشته باشد، مدیون زن است (امام خمینی ۱۳۸۱: ۳۸۲-۳۸۱م ۲۴۱۲).

ایشان در ادامه می‌گوید: «اگر زن در کارهایی که در مسئله پیش گفته شد اطاعت شوهر را نکند گناهکار است و حق غذا و لباس و منزل و همخوابی ندارد ولی مهر او از بین نمی‌رود» (امام خمینی ۱۳۸۱: ۳۸۲م ۲۴۱۳). بدیهی است که این حق، مخصوص مرد نبوده و زن نیز از این حق مشترک برخوردار است. گفتنی است، زن علاوه بر «تکمین خاص»، یعنی لزوم اجابت خواسته‌های مشروع شوهر و ایفای وظایف ناشی از زوجیت در مورد کامجویی و به تبع آن مسکن‌گزینی، لازم است که سرپرستی و مدیریت شوهر را در مورد خانواده و فرزندان بپذیرد و حتی نظارت او را بر اعمال و معاشرت‌های خویش تا آن حد که به شئون زندگی زناشویی و مصالح خانواده مربوط است، قبول نماید. و این چیزی است که حقوق‌دانان از آن به «تکمین عام» تعبیر کرده‌اند (کاتوزیان الف ۱۳۷۱ ج ۱: ۲۲).

ولی باید عنایت داشت که اصطلاح تمکین عام به هیچ وجه به مفهوم اطاعت عام و بی‌چون و چرای زن از شوهر نیست، چه، همانطور که بیان شد، قوامیت شوهر بر زن تنها در محدوده زوجیت و امور مربوط به مصالح خانواده است و هیچ‌گاه متعرض حقوق و آزادی‌های مشروع زن و محدوده استقلال او نمی‌شود.

۲-۳. تبعیت از مرد در محل اقامتگاه و مسکن

اختیار انتخاب محل زندگی با مرد است مگر اینکه این اختیار را شوهر به زن واگذار کرده باشد و یا خلاف شأن اجتماعی زن باشد و یا ضرر جانی و جسمی برای زن داشته باشد.

۲-۴. تبعیت از مرد، در خروج از منزل و ورود دیگران به منزل

خروج زن از منزل باید با اجازه همسرش باشد، مگر اینکه برای انجام تکالیف دینی؛ مثل حج واجب یا برای انجام مداوا از منزل خارج شود، یا ماندن در خانه ضرر جانی، بدنی و شرافتی، برای زن داشته باشد. بر اساس اصل برائت و اباحه اعمال در راستای آزادی و کرامت زن و برابری انسان‌ها، خروج زن از منزل و معاشرت وی، بی‌آنکه مقارن با مفسده‌ای باشد، باید عملی روا تلقی شود، اما با عنایت به حقوق شوهر و تکالیف متقابل زن، بویژه تمکین او در برابر کامجویی شوهر و همچنین با در نظر گرفتن مصالح خانواده و مسؤولیت شوهر در حفظ و صیانت زن، این حق زن با اشکال‌ها و ابهام‌هایی مواجه شده است.

نظریه مشهور در فقه امامیه بر این است که زن برای خروج از منزل شوهر، لازم است که رضایت او را به دست آورد و در مقابل شوهر می‌تواند، زن را از بیرون رفتن از خانه منع کند، اگر چه این عمل زن با حقوق شوهر منافاتی نداشته باشد (طباطبایی ۱۳۶۳: ج ۱۰: ۳۱۷).

شهید ثانی نوشته است: از جمله تکالیف زن در برابر شوهر این است که از منزل بدون اذن او خارج نشود، حتی اگر برای دیدن و عیادت بیماران و حضور در مراسم فوت یکی از اقوامش باشد. سبزواری (بی تا: ۱۸۶) و صاحب **جواهر** (نجفی ۱۹۸۱ ج ۳۱: ۳۰۶) و امام خمینی (۱۴۲۱ ج ۲: ۷۴۵) نیز چنین عقیده‌ای را ابراز داشته‌اند.

برخی از حقوق‌دانان نیز متأثر از چنین باور غالبی گفته‌اند: «از نظر فقهی، اصولاً خروج زن از خانه به هر منظور که باشد، باید با موافقت شوهر انجام پذیرد» (محقق داماد ۱۳۷۲: ۳۱۶؛ حائری ۱۳۷۹: ۹۶۴).

به هر حال، مبنای این باور می‌تواند، از یک سو، اعتقاد به لزوم اطاعت زن از شوهر به صورت مطلق باشد (نجفی ۱۹۸۱ ج ۳۱: ۱۴۷) و از سوی دیگر می‌توان پایه نظریه مزبور را بر این ادعا قرار داد که حق کامجویی شوهر مطلق است و هیچ قید و شرطی آن را محدود نمی‌سازد. بنابراین زن باید برای خارج شدن از منزل که زمینه بهره‌جویی مرد را از میان می‌برد، اجازه بگیرد (نجفی ۱۹۸۱ ج ۱۷: ۳۳۳) البته در اثبات این نظریه برخی به آیه ۳۳ سوره احزاب تمسک جسته‌اند که «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (مشکینی ۱۳۷۷: ۲۲۶).

توضیح اینکه: آیه ۳۳ سوره احزاب در خطاب به همسران پیامبر -صلی الله علیه و آله- و در مقام توصیه به حفظ عفت و حجاب است، که در خانه‌های خود بمانید و همچون جاهلیت نخستین - که زنان با پیراهن‌های بدن نما بیرون می‌آمدند - در میان مردم ظاهر نشوید. روشن است که از این جهت، به ممنوعیت خروج زن بدون کسب اجازه شوهر ارتباطی ندارد.

و همانطور که برخی از فقیهان معاصر اشاره کرده‌اند، ناروا بودن خروج زن از منزل و وجود حق منع به طور مطلق برای شوهر، با قاعده امساک به معروف (طلاق: ۲) و معاشرت نیکو با زن (نساء: ۱۹) مغایرت دارد و از سوی دیگر قاعده نفی حرج از انسان در دین اسلام، راه را بر چنین باوری مسدود می‌سازد، چرا که با به رسمیت شناختن چنین حقی برای مرد، به او اجازه داده می‌شود، که حتی زن خود را به طور ابد زندانی و در بند خانه خویش قرار دهد (فضل الله ۱۴۲۱: ۹۲).

۵-۲. تبعیت از مرد در اصل شاغل بودن و نوع شغل

در صورتی که شغل زن خلاف انتظار عرف زمان، مکان و موقعیت و جنسیت زن و مرد باشد. شوهر به استناد ریاست و مسؤولیت خود در حفظ مصالح و سلامت خانواده و حراست از حیثیت آن، حق دخالت

دارد. البته، کار و فعالیت شغلی از حقوق قانونی و مشروع زن محسوب می‌گردد و زن می‌تواند همانند مرد با رعایت موازین شرعی به کار و حرفه متناسب با شئون خویش اشتغال ورزد و از این جهت منعی برای او وجود ندارد (شمس‌الدین ۱۹۹۶: ۱۹۳؛ زحیلی ۱۴۲۰: ۲۹۸). اصل بیستم قانون اساسی نیز به نوبه خود این مطلب را تأیید می‌کند.

در ابتدا باید یادآور شد که کار و اشتغال زوجه به طور معمول مستلزم بیرون رفتن از خانه است و فعالیت شغلی او با اولویت بیشتری به کسب اجازه از شوهر و جلب رضایت او نیازمند است و شوهر حق خواهد داشت که او را از هر گونه اشتغال در محیط خارج از منزل باز دارد. بدین جهت است که برخی از اندیشمندان معتقدند: «از نظر فقهی، اصولاً خروج زن از خانه به هر منظوری که باشد، باید با موافقت شوهر انجام پذیرد. بنابراین، چنانچه زن در هنگام ازدواج شاغل نبوده و با شرط اشتغال، ازدواج انجام نگرفته [باشد]، شوهر می‌تواند مطلقاً زن را از اشتغال به هر گونه حرفه در بیرون خانه منع کند» (محقق داماد ۱۳۷۲: ۳۱۶).

ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی مقرر داشته است: «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافعی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند».

اختیار شوهر تنها ناظر به مشاغل زن پس از ازدواج دانسته نشده، بلکه آن را به تمام شغل‌هایی که پیش از آن آغاز گشته نیز تسری داده‌اند، حتی گفته‌اند: «رضایت شوهر نیز از اختیار قانونی او نمی‌کاهد؛ زیرا منع زن تنها حق مرد نیست که بتوان ادعا کرد با اعلام رضایت ساقط شده است. بقای این اختیار در زمره مسائل مربوط به نظم عمومی است و اعمال آن در شمار تکالیف و مسؤولیت‌های شوهر در اداره خانواده است» (صفایی و امامی ۱۳۸۰: ج ۱: ۲۳۵). امام با اینکه با اشتغال زن مخالفی نمی‌کنند، اما در سخنانشان، وظیفه اصلی زنان را تربیت اولاد صالح دانسته و دامن زنان را انسان ساز معرفی می‌کنند. ایشان زنان را متوجه وظیفه اصلی خود، یعنی تربیت فرزند می‌کنند: «شما خانمها... معلم هستید؛ دو شغل شریف دارید... یکی شغل تربیت فرزند، که این از همه شغل‌ها بالاتر است. یک فرزند خوب شما اگر به جامعه تحویل بدهید، برای شما بهتر است از همه عالم...» (امام خمینی ۱۳۸۵: ج ۸: ۹۰) و همچنین می‌فرمایند: «امروز زنان در جمهوری اسلامی، همدوش مردان در تلاش سازندگی خود و کشور هستند» (امام خمینی ۱۳۸۵: ج ۱۲: ۲۷۵).

۳. وظایف حقوقی مختص مرد نسبت به زن

در رابطه با حقوق زن بعد از ازدواج به دو نوع حقوق تأکید شده که این دو نوع حقوق عبارت از حقوق مالی و حقوق غیر مالی است.

حقوق مالی زن که شوهر مکلف به رعایت آن است حق نفقه، حق مهر و حق میراث است، اما حقوق

غیرمالی زن عبارت از آن دسته حقوقی است که به صورت قانونی نیامده است ولی از آیات و روایات می توان آن را برداشت کرد، این نوع حقوق عبارتند از: برخورد نیک شوهر در برابر زن؛ اکرام و مدارا؛ مراقبت های دینی و اخلاقی؛ اجازه ملاقات و رفت و آمد با والدین و دوستان؛ اذیت و آزار نکردن زن؛ وظایف زناشویی و هم بستری مرد نسبت به زن.

۱-۳. برخورد نیک شوهر در برابر زن

در مورد برخورد نیک با زن خداوند در سوره نساء آیه ۱۹ می فرماید: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» ترجمه: با زنان خویش به طور شایسته و پسندیده معاشرت کنید پس اگر ایشان مورد قبول و پسند شما واقع نگردند، شاید چیزی را پسند نکنید و آن را بد بدانید که خداوند در آن خوبی های فراوان را نهفته باشد.

از ترجمه آیه فهمیده می شود که شوهران در گفتار، کردار و رفتار خوب با همسرانشان خلق خوش و رفتار نیک را بکار گیرند، اگر هر کدام از عادات زنان برای شوهران ناپسند باشد باید صبر و شکیبایی پیشه کنند، چنانچه حضرت پیغمبر اسلام فرموده اند: «بهترین شما آنهایی هستند که با زن و فرزندان خود بهترین رفتار را داشته باشند و من برای خانواده ام از همه شما بهترم» (زحیلی ۱۴۲۰: ۱۴۰).

۲-۳. اکرام و مدارا

مرد وظیفه دارد قدرشناس همسرش باشد و او را نعمتی از جانب خدا بداند. وی را گرامی داشته، با او مدارا کند، لغزش هایش را ببخشد و سخت گیری و لجاجت نکند. اسلام چنین برخوردی را از حقوق زن و وظایف شوهر می داند.

امام سجاد علیه السلام فرمود: حق همسرت این است که بدانی خدای متعال او را وسیله آرامش و انس تو قرار داده و نعمتی است از جانب خدا بر تو، پس او را گرامی بداری و با وی مدارا کنی. گرچه تو نیز بر وی حق داری، تو باید دلسوز او باشی؛ زیرا اسیر تو است. باید غذا و لباسش را فراهم سازی و اگر اشتباه کرد، ببخشی (مجلسی ۱۳۷۴ ج ۵: ۷۴).^۱

۳-۳. مراقبت های دینی و اخلاقی

مرد وظیفه دارد به مسائل اعتقادی، اخلاقی و دینی همسرش عنایت داشته باشد؛ یا خودش در این باره به او

۱. قال علی بن الحسین علیه السلام: «وَأَمَّا حَقُّ الزَّوْجَةِ فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَهَا لَكَ سَكَنًا وَانْسًا فَتَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكَ فَتُكْرِمُهَا وَتُرَفِّقُ بِهَا، وَإِنْ كَانَ حَقُّكَ عَلَيْهَا أَوْجِبَ فَانْ لَهَا عَلَيْكَ أَنْ تَرْحَمَهَا لِأَنَّهَا أَسِيرُكَ وَتَطْعَمُهَا وَتَكْسُوهَا وَإِذَا جَهِلَتْ عَفْوَتْ عَنْهَا».

کممک کند یا وسیلهٔ آموختن آنها را برایش فراهم سازد. مواظب اخلاق و رفتارش باشد. به کارهای خوب و اخلاق پسندیده دعوتش کند و او را از کردار زشت و اخلاق ناپسند نهد. در یک کلام، او را از آتش دوزخ برهاند و به بهشت دعوت کند.

این یکی از آثار و لوازم سرپرستی و قیمومیت است که بر عهدهٔ مردان نهاده شده است. قرآن می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خودتان و خانواده‌تان را از آتش دوزخ نگاه دارید، آتشی که هیزم آن، مردم و سنگ‌ها هستند»^۱.

۴-۳. اجازه ملاقات و رفت و آمد با والدین و دوستان

شوهر نباید مانع دید و بازدید زن از والدین و اقارب وی شود، بعضاً به خاطر سوء تفاهمات و یا رنجش که میان والدین زن و نزدیکان شوهر صورت می‌گیرد، شوهر مانع رفت و آمد خانم به منزل والدینش می‌شود. در حالی که مسائل شخصی نمی‌تواند حق زن را در این رابطه محدود نماید، حتی در حالات عاجل و وقوع مریضی‌ها و حوادث دیگر زن می‌تواند بدون اجازه شوهر به خدمت والدین و اقارب بشتابد.

۵-۳. اذیت و آزار نکردن زن

شوهر نباید با کلمات زشت و یا بی حرمتی همسر خود را که مادر فرزند وی است مورد اذیت و آزار قرار دهد؛ زیرا این عمل از شخصیت و کرامت زن می‌کاهد. خداوند متعال می‌فرماید: «تنها به خاطر اذیت و آزار آنها را نگاه ندارید و هر کس چنین کند به راستی به خویشتن ستم می‌کند» (زحیلی ۱۴۲۰: ۱۴۰).

همچنان حدیث مبارک است: «یطعمها إذا طعم، و یکسوها إذا اکتسی، و لا یضرب الوجه، و لا یقبح، و لا تهجر إلا فی المبیة» (عدالت خواه ۱۳۸۷: ۱۹۸)؛ یعنی حق زن شما بر شما آن است هرگاه غذا صرف کنی به وی غذا بدهی و هرگاه لباس پوشیدی به وی نیز لباس پوشانی و بر چهره و صورت او سیلی نزن و او را زشت و قبیح نسازی و از او کناره‌گیری و او را ترک نکنی مگر در خانه‌ات.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: هر مردی که به صورت همسرش سیلی بزند خدا به فرشته مأمور دوزخ (مالک) دستور می‌دهد که در دوزخ هفتاد سیلی بر صورتش بزند. و هر مردی که دستش را بر موهای زن مسلمانی بگذارد (برای اذیت موی سرش را بگیرد) در دوزخ دستش با میخ‌های آتشین کوبیده می‌شود.^۲

۱. «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ» (تحریم: ۶).

۲. «وَلَا تُمَسِّكُوهُنَّ ضُرَارًا لَتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ» (بقره: ۲۳۱).

۳. وفی حدیث الحولاء، بالسند المتقدم عن رسول الله (صلى الله عليه وآله)، أنه قال: «فأى رجل لطم امرأته لطمه، أمر الله عز وجل مالك خازن النيران فيلطمه على حرّ وجهه سبعين لطمه في نار جهنم، وأى رجل منكم وضع يده على شعر امرأة مسلمة،

۶-۳. رعایت عدالت در میان زنان

یکی از موارد بسیار مهم رعایت عدالت میان زنان است، در صورتی که مرد دارای چند همسر باشد باید عدالت را رعایت کند. خداوند متعال برای کسانی که در بین زنان خود نمی‌توانند عدالت را رعایت کنند فرموده است: «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً»؛ «اگر نگران آن بودید که نتوانید به عدالت رفتار کنید، به یک همسر اکتفا کنید» (زحیلی: ۱۴۲۰: ۱۴۱).

شوهر موظف به رعایت عدالت مادی و معنوی در حد توان میان زنان خود می‌باشد. شوهر نباید یکی را نسبت به دیگری در غذا، لباس، مسکن ترجیح دهد. مگر آنچه نمی‌توان مانع آن شد که عبارت از تمایل قلبی و غیر ارادی انسان‌ها است. چنانچه خداوند در سوره نسا آیه ۱۲۹ فرموده است: «شما هر گز نمی‌توانید میان زنان عدالت کنید هر چند [بر عدالت] حریص باشید! پس به یک طرف یکسره تمایل نورزید تا آن [زن دیگر] را سرگشته [=بلا تکلیف] رها کنید. و اگر سازش نمایید و پرهیزگاری کنید، یقیناً خدا آمرزنده مهربان است.»

۷-۳. وظایف زناشویی و هم‌بستری مرد نسبت به زن

قانون در این مورد ساکت است و به عبارت حسن معاشرت اکتفا کرده است.

اما فقها در دو قسمت به این بحث پرداخته‌اند:

۱. حق زن بر شوهر این است که اگر زن باکره است، پس از عروسی، هفت شب را نزد او بماند و اگر ثبیه باشد سه شب و پس از آن اگر دارای یک زن است، باید هر چهار شب یک شب نزد او بماند و سه شب دیگر آزاد است و هر گاه دارای چند زن است، باید نزد هر یک شبی را از چهار شب بگذراند (حق قسم). (کاتوزیان الف: ۱۳۷۱: ۴۴۶؛ محقق حلی: ۱۴۰۹ ج ۲: ۵۶۶؛ نجفی: ۱۹۸۱ ج ۳۱: ۱۴۸؛ جزیری: ۱۴۲۰ ج ۴: ۲۲۷؛ امام خمینی: ۱۴۲۱ ج ۲: ۷۴۶).

فقیهان امامیه و اهل سنت در اصل وجوب قسم اتفاق نظر دارند. شیخ مفید نخستین فقیهی است که بابتی را به نام باب قسم در کتاب نکاح خود مطرح کرده است (شیخ مفید: ۱۴۱۰: ۵۱۶) و فقهای بعدی از او تبعیت کرده‌اند روایات فراوانی نیز بر آن دلالت دارد (سلار: ۱۴۱۴: ۱۵۵؛ ابن ادریس: ۱۴۱۰ ج ۲: ۶۰۷؛ بحرانی: ۱۴۰۵ ج ۲۴: ۵۸۸؛ انصاری: ۱۴۱۵: ۴۷۱-۴۷۰؛ جزیری: ۱۴۲۰ ج ۴: ۲۲۸؛ حر عاملی: ۱۴۰۳ ج ۱۵: ۸۰).

۲. نزدیکی جنسی: شوهر مکلف است، هر چهار ماه یک بار با زن خود نزدیکی جنسی نماید و این از حقوق زن محسوب می‌شود. در تحریر الوسیله آمده است ترک نزدیکی با زوجه در بیشتر از چهار ماه جایز نیست مگر این که با اذن او باشد، حتی بنا بر اقوی اگر منقطعه باشد. و این حکم اختصاص به نداشتن

۱. سمر کفّه بمسامیر من نار» (نوری بی تا ج ۱۴: ۲۵۰).

۲. (نساء: ۳).

عذر دارد و اما با وجود عذر مادامی که موجود است، مطلقاً جایز می‌باشد، مانند این که ترس ضرر بر او یا بر زوجه باشد (امام خمینی ۱۴۲۱ ج ۲ و ۱: ۶۹۸).

نتیجه

با بررسی در آثار فقها و امام حاصل شد، خانواده یک واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است، زندگی زناشویی قوام، تحکیم و استمرارش به محبت، دوستی، تفاهم، احترام متقابل و به رسمیت شناختن و رعایت حقوق همدیگر است. بنابراین دین اسلام برای آنکه محیط و اجتماع کوچک خانواده قوام پیدا کند و تداوم یابد، برای هر یک از زن و شوهر حقوقی در نظر گرفته و در مقابل این حقوق وظایفی را نیز برای آنان تعیین کرده است؛ چرا که خداوند هر جا حقی در نظر گرفته، تکلیفی را هم مقرر نموده است.

قوانین و مقررات و برنامه‌های کشور باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، حمایت و پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد. و زن و مرد بر اساس حکمت الهی با لحاظ تفاوت‌های طبیعی آنها باید از حقوق انسانی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عادلانه برخوردار شوند.

منابع

- ابراهیم مصطفی و دیگران. (۱۹۸۹) *المعجم الوسیط*، استانبول: انتشارات دارالدعوة.
- ابن ادریس، محمد. (۱۴۱۰ق) *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۲ق) *تفسیر ابن کثیر*، بیروت: دار المعرفه للطباعة والنشر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۹۹۷) *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
- امام خمینی، سید روح الله. (۱۴۲۱ق) *تحریر الوسیله*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____ (۱۳۸۱) *توضیح المسائل*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____ (۱۳۸۵) *صحیفه امام (دوره ۲۲ جلدی)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵ق) *کتاب النکاح*، قم: المؤتمر الاسلامی.
- بحرانی، یوسف. (۱۴۰۵ق) *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم. (۱۳۸۳) *احکام و موضوعات خانواده (حاوی فتاوی امام خمینی)*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- پروین، فرهاد و وحیده حسینی. (۱۳۹۲) «شرایط، قلمرو و آثار فقهی و حقوقی ریاست زوج در رابطه با زوجه»، *مجله*

پژوهش حقوق خصوصی، سال دوم، شماره ۳.

- جزیری، عبدالرحمن. (۱۴۲۰ق) **الفقه علی المذاهب الاربعه**، با تحقیق ابراهیم محمد رمضان، بیروت: دارالارقم بن ابی الارقم.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۱) **ترمینولوژی حقوق**، تهران: گنج دانش.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۲) **زن در آیین جلال و جمال**، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- حائری، سید علی. (۱۳۷۹) **شرح قانون مدنی**، تهران: انتشارات گنج دانش.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۳ق) **تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حسینی، هاشم معروف. (۱۹۸۴) **الولاية و الشفعة و الاجارة فی الفقه الاسلامی فی ثوبه الجدید**، بیروت: انتشارات دارالقلم.
- حسینی مراغی، میر عبدالفتاح. (۱۴۱۸ق) **العناوین**، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- حسینی شیرازی، سید محمد. (۱۴۲۴ق) **تقریب القرآن الی الأذهان**، بیروت: دارالعلوم.
- خوبی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۰ق) **منهاج الصالحین**، قم: مدینه العلم آیه الله الخوئی.
- دمشقی، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۸ق) **تفسیر القرآن العظیم**، بیروت: دار المکتب العلمیه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۹۹۲) **المفردات فی غریب القرآن**، دمشق: انتشارات دار الشامیه.
- رشید رضا، محمد. (۱۳۹۳ق) **تفسیر المنار**، بیروت: انتشارات دار المعرفه.
- زحیلی، وهبه بن مصطفی. (۱۴۲۰ق) **الاسرة المسلمه فی العالم المعاصر**، دمشق: انتشارات دار الفکر.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۱۵ق) **الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- سائیس، محمد علی و عبدالطیف السبکی و محمد ابراهیم کرسون. (۱۴۱۵ق) **تفسیر آیات الاحکام**، بیروت: انتشارات دار ابن کثیر.
- سبزواری، محمد باقر. (بی تا) **کفایة الأحکام**، اصفهان: مهدوی.
- سلار بن عبدالعزیز. (۱۴۱۴ق) **المراسم العلویه**، قم: مطبعه امیر.
- شمس الدین، محمد مهدی. (۱۹۹۶) **مسائل حرجة فی فقه المرأة - حقوق الزوجیه**، بیروت: انتشارات موسسه الدولته للدراسات و النشر.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۸ق) **المبسوط فی فقه الامامیه**، تهران: مکتبه مرتضویه.
- شیخ مفید، محمد بن نعمان. (۱۴۱۰ق) **من لا یحضره الفقیه**، بیروت: دارالصعب.
- صفایی، سید حسین و اسدالله امامی (۱۳۸۰) **حقوق خانواده**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۹ق) **تفسیر المیزان**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۶۳ق) **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: نشر اسلامی.
- طبری، محمد بن جریر. (بی تا) **تفسیر الطبری**، قاهره: دار المعارف.
- طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵) **مجمع البیان**، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- عاملی، باقر. (۱۳۵۰) **حقوق خانواده**، تهران: انتشارات مدرسه عالی دختران ایران.
- عدالت خواه، عبدالقادر. (۱۳۸۷) **حقوق فامیل**، کابل: انتشارات میوند.
- فخررازی، محمد بن عمر. (بی تا) **التفسیر الكبير**، قاهره: چاپ افست تهران.
- فراء بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۰۷ق) **تفسیر البغوی**، معالم التنزیل، بیروت: انتشارات دار المعرفه.
- فضل الله، سید محمد حسین. (۱۴۲۱ق) **تأملات اسلامیه حول المرأة**، بیروت: انتشارات دار الملائک.
- _____ (۱۴۲۰ق) **دنيا المرأة**، بیروت: دار الملائک.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۱) **حقوق مدنی خانواده**، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- _____ (۱۳۷۱) **مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران**، تهران: انتشارات مدرس.
- _____ (۱۳۸۲) **حقوق خانواده**، تهران: نشر میزان.
- گروهی از مترجمان. (۱۳۷۷) **تفسیر هدايت**، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۷۴) **بحار الأنوار**، تهران: المكتبة الإسلامية.
- محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۹ق) **شرايع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام**، تهران: انتشارات استقلال.
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۷۲) **بررسی فقهی حقوق خانواده - نکاح و انحلال آن**، تهران: نشر علوم اسلامی.
- مشکینی، علی. (۱۳۷۷) **مصطلحات الفقه**، قم: نشر الهادی.
- میرخانی، عزت السادات. (۱۳۷۹) **رویکردی نوین در روابط خانواده**، تهران: سفیر صبح.
- میرزا خسروانی، علیرضا. (۱۳۹۰ق) **تفسیر خسروی**، تهران: کتابفروشی اسلامی.
- نجفی، محمد حسن. (۱۹۸۱) **جواهر الکلام فی شرح شرايع الاسلام**، بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی.
- نجفی خمینی، محمد جواد. (۱۳۹۸) **تفسیر آسان**، تهران: انتشارات اسلامی.
- نوری، حسین بن محمد تقی. (بی تا) **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، بی جا، بی تا.
- وزارة الأوقاف و الشؤون الإسلامية الكويت. (بی تا) **الموسوعة الفقهية**، کویت: وزارة الأوقاف و الشؤون الإسلامية الكويت.